

ما و مقاومت پنجشیر

محسن روحی‌صفت

پنجشیر در طول چهارده گذشته به نماد مقاومت ملی افغانستان تبدیل شده، این مقاومت در هر دوره خصوصیت‌ها و به تبع آن اقتضائاتی داشته است. تحولات امروز افغانستان، به سبب آنچه به نظر می‌رسد برنامه پیش‌بینی شده آمریکا برای سرریز کردن ناامنی به مناطق پیرامون افغانستان باشد، برای جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم است. اما باید توجه داشت که ایران باید با توجه به مقتضیات زمانی، در مورد نوع رویکرد خود نسبت به مسائل افغانستان و همکاری با کشورهای دیگر منطقه برای بازگرداندن امنیت یا دست‌کم مهار ناامنی و افراطی‌گری در افغانستان، تصمیم‌گیری کند. اعتقاد من این است که در این دوره زمانی، تنها مسیر پیش روی جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به این هدف استفاده از ابزار دیپلماسی فعال برای حل مسائل افغانستان است. این روزها، مساله تلاش طالبان برای تسلط بر پنجشیر با استفاده از قوای نظامی و اسلحه در صدر خبرهای افغانستان قرار دارد. پنجشیر سابقه طولانی در مقاومت در برابر متجاوزان دارد، اما در هر دوره این نوع مقاومت خصوصیات متفاوتی داشته است. برای مثال مقاومتی که امروز در پنجشیر وجود دارد، با مقاومت در دوره اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی متفاوت است. در آن دوران، مقاومت پنجشیر در مقابل يك نیروی اشغالگر خارجی شکل گرفته بود، اما امروز مقاومت پنجشیر در مقابل گروهی است که با ریاکاری قصد سلطه بر افغانستان دارد. طالبان در شرایطی که ادعا می‌کند قصد دارد دولتی فراگیر و همه‌شمول تشکیل دهد، در عمل به نظر می‌رسد که با رویکرد تمامیت‌خواهانه به دنبال این است که سراسر افغانستان را زیر سیطره خود در بیاورد. واقعیت این است که طالبان نماینده يك گروه خاص از یکی از اقوام افغانستان است و نماینده همه اقوام افغانستان نیست. طالبان حتی دارای اکثریت جمعیتی در افغانستان هم نیست که به این بهانه مدعی همه قدرت در این کشور باشد، بلکه آنچه تاکنون در افغانستان به دست آورده با استفاده از زور و تحمیل خواسته‌هایشان بر دیگر اقوام به دست آمده است.

به نظر می‌رسد برای طالب درك این موضوع بسیار مشکل باشد که افغانستان يك کشور چند قومیتی است و يك قوم نمی‌تواند به تنهایی بر تمامی افغانستان سلطه پیدا کند. عدم درك این موضوع باعث

بی‌ثباتی و ناامنی در افغانستان شده است. انتظار میرفت با توجه به شعارهایی که طالبان داده بود به این سمت پیش برود که همه اقوام را شریک در حکومت بکند. حتی پیش از آغاز درگیری در پنجشیر این فرصت برای طالبان وجود داشت که به جای روی آوردن به استفاده از سلاح و جنگ، آتش‌بس و تفاهمی مدت‌دار مثلا برای یکسال با ساکنان پنجشیر به امضا برساند تا بتواند حسن نیت خود را در تشکیل یک حکومت فراگیر به همه ثابت کند. اگر طالبان می‌توانست در طول دوران این توافق اعتماد طرف‌های مخالف خودش را جلب کند، طبیعی است افرادی که در پنجشیر هستند هم با حکومتی که همه‌شمول باشد و همه در آن نقش داشته باشند همراه می‌شدند. ولی هنوز طالبان هیچ نشانه‌ای از عزم و اراده برای تشکیل حکومت فراگیر نشان نداده است. روشن است که طالبان نماینده همه مردم افغانستان نیست، بلکه بخشی از قوم پشتون است. کسانی که امروز در پنجشیر جمع شده‌اند، از اقوام و گروه‌های مختلف افغانستان هستند و در واقع بر خلاف طالبان از تنوع و تکرر بیشتری به لحاظ نمایندگی از اقوام و گروه‌های افغان برخوردارند. این تکرر و تنوع، در واقع نمایندگی از همه کسانی است که از قالب حکومت مدنظر طالبان مستثنی شده‌اند و از دایره مدیریت در افغانستان بیرون می‌مانند. در نتیجه بی‌جا نیست که مقاومت پنجشیر را نماینده مردم افغانستان بدانیم، چراکه همان نماد چند قومی و چند نژادی را نمایندگی می‌کند.

مقام‌های امریکایی امروز پیش‌بینی جنگ داخلی، خشونت و گسترش تروریسم در منطقه در نتیجه تحولات افغانستان می‌کنند. اما واقعیت این است که تمام این اتفاقات، نتیجه برنامه‌ریزی و مقاصد امریکاست. واشنگتن تصمیم گرفته بود که این بخش از جهان را ناامن کند و این ناامنی را به مناطق پیرامونی از جمله آسیای مرکزی، چین و تاحدودی ایران سرریز کند. این همان خواسته امریکایی‌هاست و همان چیزی است که امروز در حال تحقق یافتن است. در نتیجه اینکه سران نظامی امریکایی ادعا می‌کنند در مورد آینده چنین پیش‌بینی‌هایی دارند، در واقع پوشاندن این واقعیت است که خودشان عامدانه زمینه‌ساز چنین اتفاقاتی شده‌اند. اتفاقاتی که احمد مسعود، رهبر مقاومت پنجشیر هم در مورد آینده و خطر تروریسم و استفاده از سلاح‌های امریکایی توسط گروه‌های تندرو علیه جهانیان، در بیانیه‌ای که دیروز صادر کرد، هشدار داده و این هشدار جدی و واقعی است.

هدف امریکا این بود که هزینه‌های مبارزه با خشونت و افراطی‌گری در افغانستان را از دوش خودش بردارد. در دوران حضور نظامیان خارجی در افغانستان، یک موازنه نسبی وجود داشت که هزینه زیادی به امریکا تحمیل می‌کرد. امریکا تصمیم گرفت که این موازنه را به هم

بزند و هزینه‌های مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری را به دوش کشورهای پیرامون افغانستان بیندازد که از امنیت نسبی در افغانستان منفعت می‌برند. اگر کشورهای پیرامون افغانستان، از جمله ایران و دیگر کشورهای همسایه بتوانند يك موضع واحد در مقابل تحولات بگیرند، می‌توانند نتایج این سرریز شدن ناامنی را کنترل کنند.

با این حال آن‌گونه که در ابتدا ذکر شد، اقتضات کنونی افغانستان با گذشته متفاوت است. ایران در دوره‌ای که يك حکومت به رسمیت شناخته شده بین‌المللی برای افغانستان وجود داشت، از مقاومت در ولایت پنجشیر حمایت می‌کرد. اما در این دوره باید به نسبت مقتضیات زمان سیاست جدید در پیش بگیرد. توازن در سیاست در مقابل طرف‌های مختلف در افغانستان يك سیاست اصولی است که نخست طرف‌ها را به گفت‌وگو و حل مشکلات از طریق مذاکره تشویق کند. ما این نکته را هم به طالب‌ها تذکر داده‌ایم و هم به احمد مسعود گفته‌ایم. احمد مسعود هم اعلام آمادگی کرده و گفته است که آماده مذاکره است و خواستار جنگ و خونریزی نیست. ما باید سعی کنیم از طریق دیپلماسی هزینه‌هایی که این معضل و پیچیدگی سیاست در افغانستان خلق کرده است را کاهش دهیم. تنها راه پیش روی جمهوری اسلامی ایران دیپلماسی است، نه استفاده از نیروی نظامی یا مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در درگیری‌ها.

□□□□□□ □□□□□□ 15 □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□ 1400 □□□□□□